



به مناسبت سالگرد مرگ مارکس

نام او در همه روزگاران آینده برجای خواهد ماند، ونیز کار او.

سخنان انگلس در سوگ مارکس

در روز هیفدهم مارس ۱۸۸۳ مارکس در گورستان «های گیت» لندن در کنار همسرش که پانزده ماه پیش از او درگذشته بود، به خاک سپرده شد.

انگلس پیش از به خاک سپرده شدن او چنین گفت.

در روز چهاردهم مارس، پانزده دقیقه مانده به ساعت سه بعد از ظهر، بزرگترین اندیشمند روزگار از اندیشیدن باز ایستاد. تنها دو دقیقه ای تنها مانده بود، اما، به اتاق او که بازگشتم، دیدم برصندلی راحتی خویش آرام به خواب رفته است - برای همیشه.

ضایعه مرگ او برای پرلناریای رزمنده اروپا و آمریکا و برای علم تاریخ، بی اندازه بزرگ است. خلعی که با مرگ او پدید آمده است بزودی احساس پذیر خواهد بود.

همچنانکه داروین قانون تکامل طبیعت ارگانیک را کشف کرد، مارکس نیز قانون تکامل تاریخ «جامعه های» انسانی را کشف کرد. او این حقیقت ساده را - که تاکنون زیر خاشاک هرزه روی های جهان نگرانه پنهان ماده بود - کشف کرد که انسان نخست باید آب و نان و پوشاک و سرپناهی داشته باشد تا، آنگاه، بتواند به سیاست، علم، هنر، دین و مانندهای اینها به پردازد.

ادامه در صفحه ۱۰

در این شماره

بیانیه

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست درباره نمایش انتخاباتی رژیم اسلامی! در صفحه ۶

آنانکه گذشته را به خاطر نمی آورند محکوم به تکرارند! در صفحه ۶

خاوران را به مکانی برای تبلیغ فعالیت های گروهی خود تبدیل نکنیم! در صفحه ۲

اعتصابات مجدد کارگران نیشگر هفت تپه در صفحه ۴

فرا رسیدن نوروز نوید بخش را به تمام زندانیان و خانواده های عزیزشان تبریک می گویم در صفحه ۸

پیام نوروزی کمیته کردستان سازمان در صفحه ۴

سال نو در گلزار خاوران در صفحه ۹

همدان بیش از شصت و سه هزار کودک کارگر دارد سکوت کودکانه در برابر سرمایه در صفحه ۱۰

نوروزتان خجسته باد!

بهار فرا می رسد، با تمام زیبایی هایش.

ونسیم بهاری طبیعت را برای دگرگونی فرا میخواند.



آنگاه زمین مستانه از خواب زمستانی برمیخیزد و لباس از تن برمی کند آنگاه زمین مستانه از خواب زمستانی برمیخیزد و لباس از تن برمی کند تا زیر آفتاب نرمتاب بهاری خود را به هزاران گل و سبزه آراسته کند.

بهار با چشم اندازهای دلنواز خود آرزوی دیرینه انسان برای زیستن دردنیائی عاری از ستم و استثمار و زور و سرکوب و جنگ و آوارگی را نوید میدهد.

نویدی که الهام بخش توده های کارگر و زحمتکش و همه مبارزان راه آزادی و سوسیالیسم خواهد بود تا در سال نو کوشاتر، پرتوان تر، و سرسختانه تر برای درهم شکستن دستگاه ستم و استثمار و زور و سرکوب حاکم بر کشور گامهای اساسی به پیش بردارند. دیورا های استبداد و خودکامگی اقلیتی صاحب قدرت و ثروت را درهم شکنند و چشم انداز بهار آزادی و برابری را بر روی خود بکشایند.

نوروزتان خجسته باد!

سازمان
اتحاد فدائیان کمونیست

۲۸ اسفند ۱۳۸۶

گر بهار آید
گر بهار آرزو روزی به بار آید
این زمین های سراسر لوت
باغ خواهد شد
سینه این تپه های سنگ
از لهیب لاله ها پرداغ خواهد شد

از قطعه شعر آرزوی بهار - سیاوش کسراتی

عیدی سرمایه داران و دولت به کارگران در صفحه ۲

خاوران را به مکانی برای تبلیغ فعالیت های گروهی خود تبدیل نکنیم!

منصوره بهکیش

نمی دانم چگونه قلم را روی کاغذ بیاورم! برایم خیلی سخت و دردناک است که در این شرایط خفقان و فشارهایی که هر روز جمهوری اسلامی به ما و مردم تحمیل می کند، اینبار از خودمان بگویم.

هم خیلی خوشحالم و هم خیلی ناراحت، خوشحالم از اینکه امسال مراسم با آرامش و بدون حضور پلیس و با استقبال تعداد زیادی از همراهان، حتی بیشتر از سال های قبل برگزار شد و ناراحتیم از اینکه مراسم آن طوری که می توانست برگزار شود به دلیل برخی مشکلات به خوبی برگزار نشد.

مسالهی ای که خیلی مهم است و حتماً بایستی به آن توجه شود اینکه خاوران به هیچ گروه و دسته و سازمان و حزبی تعلق ندارد و نیاز به لیدر هم ندارد.

ما خانواده های اعدام شدگان سالهاست که خون دل خورده ایم تا خاوران را حفظ کنیم. مراسم جمعی خاوران، متعلق به همه ماست و معمولاً بر روی کانال هایی برگزار می شود که عزیزان مان را به صورت دسته جمعی دفن کرده اند.

طبق معمول با مادر پناهی و مادر هاشم زاده راهی خاوران شدیم. همیشه در راه راجع به مسایلی که طی این سال ها اتفاق افتاده صحبت می کنیم. من نیز همیشه تشویق شان می کنم که از خاطرات شان بنویسند. مادر پناهی می گوید دیگر خسته شده ام بالاخره بایستی کاری کرد. وقتی به گل فروشی رسیدیم و گل خریدیم، احساس خوبی به من دست داد چون هر که را می دیدیم آشنا بودند و این یک شادی و شغفی در من ایجاد کرده بود. گویی به دنیایی وارد شده ایم که همه درد مشترک دارند و زبان هم را می فهمند و آنقدر با هم صمیمی هستند که می توانند کوه را از جا بکنند. وقتی سوار ماشین شدم به مادران گفتم: در این روزها احساس خوبی دارم چون می بینم که تنها نیستیم. مادر هاشم زاده گفت من هم به همین عشق زنده هستم و وقتی به خاوران می آیم جان تازه ای می گیرم و تا چند روز انرژی دارم. به خاوران رسیدیم و طبق معمول هر یک به سراغ مکان هایی که برای عزیز خود نشان کرده ایم می رویم و گلی روی آن و روی عزیزان دور و بر می گذاریم، به گل ها آب می دهیم و آب و جارو می کنیم. سپس به سمت جایی که هر سال جمع می شویم می رویم، یعنی روی کانالی که در قطعه بالایی قرار گرفته است. تعداد زیادی از صبح زود آمده اند و هنوز هم دارند می آیند. امسال باز از سال قبل جمعیت بیشتری آمده اند و چهره هایی جدید که شاید تا به حال نیامده بودند و این امیدی را در دل ما زنده می کند.

سمت چپ خاوران نیز تعدادی نوازنده جوان نشسته بودند که گویا از صبح مشغول نواختن بودند. به سمت کانال قطعه بالایی رفتیم. خیلی از عزیزان قبل از ما آمده بودند و آنجا را گل باران کرده بودند. عکس ها را به ردیف کنار یکدیگر گذاشتیم، فارغ از گروه و تشکیلات و بدون در نظر گرفتن پست های سازمانی هر یک. هر کسی عکس عزیز خود را هر جا که دوست داشته باشد می گذارد و هیچ محدودیتی و یا الویتی برای کسی وجود ندارد.

زهره تنکابنی سکوت داد و مادر لطفی طبق سنت همیشگی مراسم را شروع کرد ولی صدایش گرفته بود و بلندگو نیز همراهش نبود. گفت هر که می خواهد بیاید صحبت کند و یا شعری بخواند.

آقای رییس دانا آمد و گفت گروهی نوازنده آن طرف

طبق روال معمول هر ساله نمایندگان دولت، سرمایه داران و «کارگران» درآستانه نوروز ۸۷ نشستند تا سقف حقوق و دستمزد کارگران را به نسبت نرخ تورم موجود در آخر سال تعیین کنند.

ترکیب کمیته تعیین دستمزد تشکیل شده از سه نفر از سوی کارفرما ها سه نفر از طرف شورای اسلامی کار و سه نفر از سوی دولت.

با توجه به ترکیب این کمیته (با احتساب سه نفر نمایندگان شوراهای اسلامی کار وابسته به حاکمیت و عامل فریب و سرکوب کارگران بعنوان نمایندگان دولت و کارفرماها و نه کارگران) از پیش معلوم بود که این ارگان تشکیل شده است تا تصمیمات از پیش مقامات بالاتر دولتی را تصویب کنند و درعین حال چنین وانمود بکنند که گویا چنین تصمیماتی درجهاچوب دموکراتیک و توافقات فی مابین نمایندگان کارگران و کارفرمایان صورت گرفته است.

و اما قبل از تصمیم بر افزایش بیست درصدی حقوق کارگران که آن هم بخش بسیار کوچکی از طبقه کارگر ایران را در برمیگیرد که مشمول قانون کار و دراستخدام رسمی هستند و نه میلیونها کارگری که از شمول قانون کار خارج شده اند و یا تحت قراردادهای موقت به بردگی کشیده میشوند. دولت تلاش کرد نرخ رسمی تورم را پائین تر از حد واقعی آن نشان دهد و با تبلیغ نرخ تورمی ۱۷ درصدی زمینه را برای توجیح افزایش بیست درصدی حقوق کارگران فراهم کند. حرف دولت و کارفرماها این است که افزایش بیست درصدی حقوق کارگران با سطح تورم موجود همخوان است. بنا براین ضمن محق جلوه دادن خود شان درمورد تعیین ۲۰ درصدی اضافه دستمزد، هشدار میدهند که هرگونه درخواستی اضافه بر ۲۰ درصد مصوبه این کمیته، به افزایش تورم دامن زده و ضرر و زیان اش به خود کارگران خواهد رسید.

اما دولت و کارفرماها درحالی به این عوامفریبی دست میزنند که حقوق پایه کارگران اساساً نسبت به قیمت مایحتاج زندگی بخور و نمیردر آنچنان سطح نازلی قرار دارد که حتی اگر بپذیریم که نرخ تورم امسال در همان سطح ۲۰ درصد درست است و حقوق کارگران هم بی کم و کاست ۲۰ درصد افزایش پیدا خواهد کرد، باز هم سطح حقوق کارگران از سطح تورم فاصله بسیار زیادی خواهد داشت. چرا که آنها محاسبه خود را نه بر اساس پایه حقوق واقعی کارگران بلکه براساس پایه ۱۸۳ هزار تومان قرارداده اند درحالیکه این پایه حقوق اساساً با سطح مخارج و هزینه های جاری به هیچ عنوان همخوانی ندارد. امروز با یک چنین مبلغی حتی نمیتوان یک مسکن ۲ اتاقه کرایه کرد تا چه رسد به پرداخت هزینه های سرسام آور مایحتاج زندگی. بنا براین با افزایش ۲۰ درصدی به ۱۸۳ هزار تومان حقوق کارگران درحالی به ۲۱۹ هزار تومان افزایش میابد که بنا بر احتساب خود مقامات دولتی خط فقر از سطح ۵۰۰ هزار تومان هم گذشته است. بنا براین این بیست درصد افزایش حقوق زمانی میتواند محاسبه درستی بوده باشد که سطح پایه حقوق کارگران حد اقل در سطح ۸۰۰ هزار تومان تا یک میلیون تومان میبود. از این رو افزایش ۲۰ درصدی حقوق کارگران براساس پایه حقوق ۱۸۳ هزار تومانی مشکلی از مشکلات معیشتی کارگران را رفع نخواهد کرد. کارگران ناچارند و میباید متحداً برای افزایش حقوق پایه تا سطح معقول و منطقی و مورد قبول نمایندگان واقعی کارگران مبارزه کنند. تنها در یک مبارزه متحد و یکپارچه است که میتوان دولت و کارفرمایان را عقب راند.

یک گزارش زمانی اثر خود را خواهد گذاشت که با واقعیت نزدیک باشد و همچنین نویسنده نسبت به نوشته‌ی خود مسئولیت داشته باشد. تیتراژ این گزارش این بود «مادران صلح آن جا را گل افشان کردند»، من تا جایی که می دانم مادران صلح تعدادی از زنان هستند که از شهریور امسال فعالیت شان را به صورت یک فروم در رابطه با دفاع از صلح و مخالفت با جنگ در راستای برنامه های حقوق بشر شروع کرده اند و فعالیت های آنها هیچ ربطی

به خانواده های اعدام شدگان ندارد، البته تعدادی از خانواده ها عضو مادران صلح هستند ولی برگزاری مراسم خاوران اهداف خودش را دنبال می کند و وقتی می گوئیم مادران صلح آن جا را گل افشان کردند یعنی موجودیت یک گروه را بر موجودیت آن جمع برتری داده ایم و با این کار موجودیت اصلی آن جمع را زیر سوال برده ایم.



این گزارش به نام دادخواهان روی اینترنت رفته است که مشخص نیست چه کسی آن را نوشته است و اخباری که در این گزارش آمده است بسیار دور از واقعیت است، اول اینکه اساساً آقای زرافشان در این روز در خاوران حضور نداشتند، دوم اینکه مادران صلح چه ربطی به مادران خانواده های اعدام شدگان دارند و سوم اینکه ذکر شده بود که مراسم بدون مشکل انجام شده است. هیچ اشکالی ندارد بگوئیم که برنامه مان مشکل داشته است و اینبار این مشکل به خودمان مربوط بود به منیت های خودمان، به روحیهی گروه گرایی خودمان، به اینکه می خواهیم از خاوران سوء استفاده های گروهی بکنیم، به اینکه خاوران به هیچ گروه و دسته ای مربوط نیست.

ما خانواده ها به هیچ وجه نمی گذاریم که خاوران تبدیل به یک عرصه تبلیغاتی گروهی بشود. این عزیزان همه به دست رژیم جمهوری اسلامی کشته شده اند، حال فرقی نمی کند که از چه گروه و دسته ای بوده اند. من با اطمینان می گویم که اگر ما بخواهیم نام سازمانی و یا گروهی و یا پرچمی را در این جا بیافزاییم، به هویت اصلی خاوران صدمه می زنیم و آب به آسیاب جمهوری اسلامی خواهیم ریخت.

خوشبختانه امسال پلیس حضور نداشت و این برای ما جای بسیار خوشحالی بود ولی برخوردهای شخصی که پیش آمده بود و بی تجربگی و یا برخوردهای از موضع بالای برخی افراد که بسیار هم ادعا دارند، باعث شد که مراسم نه آنطور که شایسته و بایسته است برگزار شود. حال می خواهم کمی با دوستان صحبت کنم.

همراهان
اینبار روی سخنم با عزیزانی است که به خاوران می آیند و یا کسانی که علاقمندند به خاوران بیایند و بنا به دلایل مختلف نمی توانند. دیروز جمعیت زیادی در خاوران گرد آمده بودند و این حضور گسترده برای ما قوت قلبی بود که با کمک هم بتوانیم این جا را حفظ کنیم. جمعیت بیشتر از سال های قبل بود. ولی امسال مراسم به خوبی برگزار نشد. دو دستگی ایجاد شده باعث شد که برنامه آن صفا و آرامش لازم را نداشته باشد. و خانواده ها با دلی چرکین به خانه بازگردند. برخی اعتراض می کردند که چرا می گذارید فلانی بخواند، او توده ای است، آن یکی اکثریتی است، آن یکی راه کارگری است، دیگری اتحادیه است و آن یکی فلان و بهمان است. ولی متأسفانه این را در نظر نمی گیریم که آدم ها را نبایستی بر اساس سازمان شان بررسی کنیم، اگر فردی که مطلب می خواند بخواهد در مورد سازمانش تبلیغ کند، من هم معتقدم که حتماً بایستی جلوی او را گرفت ولی وقتی یک مطلب کلی خوانده می شود دیگر فرقی نمی کند چه کسی دارد آن را می خواند. گزارشی در اینترنت دیدم که بسیار برآشفتم، چون اطلاعاتی بسیار نادرست در آن درج شده بود که حتماً بایستی با این شیوهی نگارش برخورد شود.

نشسته اند و می توانیم مراسم را آنجا برگزار کنیم، من جلو رفتم و گفتم آقای رییس دانا دو دستگی ایجاد نکنیم و داشتیم حرفم را ادامه می دادم که ما یک ساعت برنامه را اینجا برگزار کنیم و سپس همگی به آنجا خواهیم آمد زیرا این مکان ویژگی خاصی برای ما دارد که ایشان تاب مخالفت با پیشنهادشان را نیاوردند و به شکلی نادرست جمع را ترک کردند. بالاخره مراسم شروع شد و چند نفر آمدند و شعر خواند، آقای جباری

مطلبی و سپس شعری خواند، در حین برگزاری برنامه، نوازندگان در آن طرف شروع به نواختن کردند و در این قسمت صدای کسی که داشت مطلب خودش را می خواند شنیده نمی شد. من رفتم و از نوازندگان خواهش کردم که حالا نوازید و بگذارید برنامه آن طرف تمام شود چون صدا شنیده نمی شود و برنامه نیز به هم می ریزد که خواننده قبول کرد و گفت داشتیم تمرین می کردیم. برگشتم به قسمت برنامه. من نیز یک نوشته کوتاه

که در پاسی از شب قبل نوشته بودم را با این عنوان که «نه می بخشیم، نه فراموش می کنیم و نه می گذاریم تکرار شود» را خواندم. ژاله معینی نیز مطلبی در رابطه با فراموشی مطلبی خواند، برنامه در حال اجرا بود که باز نوازندگان شروع به نواختن کردند و دیدیم که صدایی می آید و گویا درگیری ایجاد شده است. همه بسیار ناراحت بودیم که هدف از این کار چه بوده است؟ ظاهراً یک اختلاف شخصی بین افراد پیش آمده بود که نبایستی در این مکان پیش می آمد. ولی دوستان در آن طرف برنامه را ادامه داده بودند و سپس سرود خوان شروع به راه پیمایی کردند، برخی از ما نیز به جمع خانواده ها ملحق شدیم و خاوران را دور زدیم و در نهایت نزد نوازندگان آمدیم و ایستادیم و آنها نیز قطعاتی را نواختند و مراسم پایان گرفت. قطعاتی بسیار زیبایی می نواختند و برای جمع خوشایند بود ولی مساله این بود که چرا با جمع هماهنگ نبودند و یا چرا محل استقرار خود را در محل دیگری انتخاب کرده بودند که باعث گسستگی جمعیت شود. البته می گفتند که گویا مشکل از نرسیدن سیم برق بوده است که تلاش شد این کار انجام شود ولی اگر با درایت بیشتری از ابتدا این کار انجام می شد می توانست نتایج بسیار خوبی داشته باشد.

برگزار شد، خواستار پایان برخوردهای امنیتی - قضایی با کارگران ایران، آزادی منصور اسانلو، رییس هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، و محمود صالحی، فعال کارگری در استان کردستان، و همچنین مختومه اعلام شدن پرونده کارگران نیشکر هفت تپه و ابوالفضل عابدینی شدند.

ما در دفعات قبل بارها و بارها گفته و توضیح داده بودیم که کارگران نیشکر هفت تپه نباید فریب قول و قرارهای دولت و کارفرماها را بخورند. بلکه میباید با ترتیب دادن مقاومتی پایدار خواهان تحقق کلیه مطالبات خود شوند. اکنون نیز راهی به جز اتحاد و تشکل و مقاومت کارگران برای احقاق حقوق شان باقی نمانده است. ما از همه کارگران نیشکر هفت تپه دعوت میکنم در این ایامی که به سال نو نزدیک میشویم و طبیعتاً نیازهای اقتصادی فشار بیشتری را بر خانواده های کارگری وارد میسازد. متحد شده و بازو در بازوی هم تا تحقق همه خواست ها و مطالبات شان از پای ننشینند.

پیام نوروزی کمیته کردستان سازمان!

سالی نویتان لی تیروز بیت!

سرووشتی به‌هار وه‌بیر هیئەری و موددە بە‌خشی وه‌رزیکێ نوێە لە‌ ذیانی سرووش و ئینسان و موحیتی دە‌وروبە‌ری ئە‌و . موددە‌ی کۆتایی هاتنی سەر‌ما و ذیانی خاو و سەر‌هه‌له‌ئینانی ذیان ی‌طەرم و بە‌ تین لە‌ سرووش و ئە‌یوه‌ئندیە‌کانی دە‌وروبە‌ری ئە‌و که‌ مروژیش بە‌شیکه‌ لە‌ودا . بە‌ هیوایه‌ که‌ هاتنی به‌‌هار موددە‌ بە‌خشی دە‌ستیکردنی ذیانی نو‌ا بۆ‌ خە‌لکی سته‌م لیکراو و ضه‌وساوه‌ بیت.

کۆمه‌لانی ضه‌وساوه‌ و سته‌م لیکراوی ولاتی له‌ زنجیری کویلایه‌تی نیجه‌ :

دە‌سه‌لاتی ره‌ش و نظریسی سەر‌مایه‌داری مه‌زه‌به‌ی ئی‌ران به‌ هه‌موو نکه‌به‌ت و نه‌هه‌مه‌تی سیبه‌ری خۆی به‌ سەر‌ ولاته‌که‌مان راکیشاوه‌ . دیاری نزیك به‌ سا ده‌یه‌ حکومه‌تی مافیای ده‌سه‌لات و سروه‌ت و سامان شتیك جطه‌ له‌ شه‌ر و مالاً ویرانی ، طرتن و ئە‌شکنجه‌ و ئیعدام و تیروز و تۆقاندن ، هه‌ذاری و بیکاری ، له‌ش فروشی و موخه‌دیرات ، نه‌خوینده‌واری و هه‌زاران ده‌رد و مه‌ینه‌تی کۆمه‌لایه‌تی نه‌بووه‌

۳۲ کارخانه قند و هفت کارخانه نیشکر را از چرخه تولید خارج کرده است.»
در این حال، شایعاتی نظیر فروش زمین های زراعی هفت تپه و همچنین احتمال اخراج ۲۰۰۰ کارگر تا پایان سال جاری، بر نگرانی کارگران این شرکت از آینده شغلی شان افزوده است.

به گفته کوروش، آقای شفیع، مدیر عامل شرکت، چندی پیش گفته بود که برای این به شرکت نیشکر آمده است که شاخ و برگ های اضافی در اینجا را قطع کند و این به معنای آن است که می خواهد نیروی کار شرکت را کم کند و آن را تحویل پیمانکار یا بخش خصوصی دهد.»

این کارگر اعتصابی در این مورد به تجربه های گذشته در واگذاری شرکت های دولتی به پیمانکاران یا بخش خصوصی اشاره کرد.

وی بر این باور است که در صورت رسیدگی نکردن مسئولان جمهوری اسلامی به مشکلات شرکت نیشکر هفت تپه، این واحد بزرگ تولیدی در آینده نزدیک تعطیل می شود و گفت: «در این صورت، هزاران کارگر بیکار خواهند شد و بحران اقتصادی، شهرستان شوش را که از نظر اقتصادی وابسته به شرکت نیشکر هفت تپه است، فرا خواهد گرفت.»

در این حال، گزارش ها حاکی از برخورد امنیتی - قضایی با نمایندگان و فعالان کارگر شرکت نیشکر هفت تپه است.

فریدون نیکوفر، جلیل احمدی، علی نجاتی، نجات دهلی و محمد حیدری، قربانعلی رمضان پور و محمد حیدری مهر به همراه ابوالفضل عابدینی، خبرنگاری که اعتصاب های کارگران را تحت پوشش خبری قرار داده بود، چند ماه پیش بازداشت شدند و پس از سپردن وثیقه، د رانتظار حکم دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی هستند.

کوروش، کارگر اعتصابی، در مورد اتهاماتی که شنیده است به نمایندگان کارگران و فعالان کارگر وارد شده است، گفت: «اتهاماتی از قبیل ضد انقلاب و منافق و سلطنت طلب و اقدام علیه امنیت ملی به این گروه وارد شده است.» وی این پرسش را طرح کرد که چگونه می توان به کارگری که سه ماه حقوق نگرفته و می گوید زن و بچه هایش نباید گرسنه بمانند، ضد انقلاب گفته می شود.

در همین حال، کارگران شرکت نیشکر هفت تپه با انتشار بیانیه ای در روز همبستگی جهانی با کارگران ایران، که در ۴۱ کشور در پنج قاره

اعتصابات مجدد کارگران نیشکر هفت تپه

ما در دفعات قبل بارها و بارها گفته و توضیح داده بودیم که کارگران نیشکر هفت تپه نباید فریب قول و قرارهای دولت و کارفرماها را بخورند. بلکه میباید با ترتیب دادن مقاومتی پایدار خواهان تحقق کلیه مطالبات خود شوند. اکنون نیز راهی به جز اتحاد و تشکل و مقاومت کارگران برای احقاق حقوق شان باقی نمانده است. ما از همه کارگران نیشکر هفت تپه دعوت میکنم در این ایامی که به سال نو نزدیک میشویم و طبیعتاً نیازهای اقتصادی فشار بیشتری را بر خانواده های کارگری وارد میسازد. متحد شده و بازو در بازوی هم تا تحقق همه خواست ها و مطالبات شان از پای ننشینند.

حدود پنج هزار کارگر شرکت نیشکر هفت تپه در استان خوزستان، از روز ۱۵ اسفند در اعتراض به پرداخت نشدن دو ماه حقوق و پاداش و عیدی شان، اقدام به اعتصاب کرده اند.

کارگران شرکت نیشکر هفت تپه در حدود دو سال گذشته، حداقل ۱۱ بار بر سر مطالبات صنفی شان، دست به اعتصاب زده اند.

جرقه اعتصاب اخیر در شرکت نیشکر هفت تپه در روز ۱۳ اسفند زده شد که ۱۷۰۰ کارگر بخش نی بر این واحد تولیدی در اعتراض به عقب افتادن پرداخت حقوق شان و تحویل ندادن جیره روزهای عید، دست از کار کشیدند. دو روز بعد هم تمام کارکنان شرکت نیشکر هفت تپه، به جز اداره حراست، دست از کار کشیدند.

کارگران شرکت نیشکر هفت تپه در اعتصابات گذشته، خواستار اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و حق تشکیل سندیکا شده بودند.

کوروش، یکی از کارگران اعتصابی، به رادیو فردا گفت: «خواست‌های ما علاوه بر مطالبه حقوق معوقه و پاداش و عیدی، شامل تشکیل سندیکای کارگری، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و رسمی کردن تعدادی از کارگران موقت که بخشی از آنان در اعتصاب قبلی رسمی شدند، از دیگر خواسته های ما است.»

در اعتصاب های گذشته، یکی از درخواست های کارگران، جلوگیری از فعالیت مافیای شکر در ایران بود. در همین ارتباط، عباسعلی زالی، وزیر پیشین کشاورزی و رییس سابق مرکز آمار ایران، روز ۱۵ اسفند با انتقاد از سیاست های دولت محمود احمدی نژاد در زمینه واردات، به روزنامه اعتماد گفت: «واردات بی رویه شکر،

و رۆژ لێ دواى رۆژ نێم هه‌موو نه‌هه‌مه‌ته‌ كۆمه‌ڵگای ئیجمعی به‌ره‌و مه‌رط و نه‌مان ده‌بات و تووشی هه‌زاران مه‌ینه‌تی تر ده‌كات كه‌ حه‌طه‌ لێ شۆرشى كۆمه‌ڵایه‌تی واته‌ مانه‌رتنى سه‌رانه‌سهرى و خه‌باتى ضه‌كدارانه‌ی طه‌شتى جه‌ماوه‌رى سه‌تم لیکراو و با به‌ش و ئالو‌طوری به‌ره‌تی لێ ئیکه‌هاتی كۆمه‌ڵایه‌تی - سیاسى و ئابووری و فه‌ره‌ه‌ن‌طى كۆمه‌ڵطا و به‌ ده‌سته‌وه‌ طه‌رتنى هه‌یز و ده‌سه‌لاتى سیاسى و داسه‌ئاندى ئیراه‌ى طه‌ل، ده‌رمانیکى تر بۆ ضاره‌سه‌رى ئه‌م هه‌موو نه‌كه‌ت و نه‌هه‌مه‌ته‌ ضاره‌وه‌ران ناكرآ. ئه‌طه‌ر ئیراه‌ه‌ و یه‌ستى ددى طه‌لى و ددى شۆرشى ضه‌وسینه‌رانی حاكیم به‌ سه‌ر ضاره‌نووسى خه‌لكى لێ زنجیری و لاتنه‌كه‌مان لێ سه‌ر نه‌ساسى ئیها‌نه‌ و سووكایه‌تی كردن به‌ خه‌لكى ضه‌وساوه‌ دانراوه‌ و لێ مه‌وداى نزیك به‌ سا ده‌یه‌ حكوومه‌تى سه‌ركوته‌رانه‌ به‌ هوى دام و ده‌زطای سه‌ركوت و درو و ده‌له‌سه‌ى خوى توانیوه‌ خه‌لكى و لاتنه‌كه‌مان لێ زنجیری كار و ضه‌سانده‌وه‌ دیل بكات و به‌ یارمه‌تى ئیلا‌ن‌طه‌رانه‌ی ناوخویى و ده‌ره‌وى حكوومه‌ت و ولاتانى ئیمه‌ریالیستی یارمه‌تى

ده‌رى خوى به‌ طه‌له‌له‌ كردنى سه‌دان ئیلا‌نى طه‌لا‌و و ددى طه‌لى فیه‌وكارانه‌ ضه‌ند سالآ و ضه‌ند رۆژیک به‌ ته‌مه‌نى حكوومه‌تى نه‌كه‌ت بارى خوآ زیاد بكات، ئیستا ئاش ئه‌م سالانه‌دا سه‌ركوت و فیه‌و كاری و درو و ده‌له‌سه‌ى ده‌سه‌لاتداریانى كۆمارى ئیسلامى و یارمه‌تى ده‌رانی ئه‌و لێ هه‌ر طوشه‌ى ئه‌م جیهانه‌دا، ئیراه‌ه‌ى طه‌لى

دیله‌كراوى ولاتى ئیجمه‌ بۆ شۆرشى كۆمه‌ڵایه‌تی و رووخاندنى سیسته‌مى ضه‌وسینه‌رانه‌ى حاكیم به‌ هه‌ر سه‌رخانیكى كه‌ به‌ خووه‌ بطه‌رآ دانراوه‌ و ئشتوانه‌ى به‌ هه‌یزى ئه‌م و یه‌ست و ئیراه‌ه‌یه‌ ئه‌زمونه‌كانى تر به‌ بایه‌خى را‌ئه‌رینه‌ی مه‌زن لێ ریه‌ندانى سالى ۵۷ و به‌رده‌وامى هه‌ل و مه‌رجى شۆرش‌طه‌رانه‌یه‌ لێ مه‌وداى ئه‌م سالانه‌ تاكو ئیستا . و نیشانه‌كانى ئه‌م و یه‌ست و ئیراه‌ه‌یه‌ شكستى شانۆطه‌رى هه‌لبه‌داردى مه‌جلیسى شوورای

سه‌ركوتى جه‌ماوه‌ر به‌ ددى ئه‌و به‌ كار به‌ن و هه‌ك ئه‌وه‌ى كه‌ به‌رئا بوونى هه‌ر شه‌ریكى ده‌ره‌كى رذیم لێ طه‌لا‌ و ولاتانى دیکه‌ به‌ شه‌رى شۆرش‌طه‌رانه‌ى ناوخویى بۆ رووخاندنى ده‌سه‌لاتى ئه‌وان به‌طۆرن.

ئه‌مه‌ ئاخیر ئامرازى ضاره‌سه‌رى دزایه‌تیه‌كانى ضه‌وساوه‌كان و ضه‌وسینه‌رانه‌ كه‌ ده‌با به‌ ریطای قه‌هرنامه‌یز دزایه‌تیه‌كان ضاره‌سه‌ر بكریت. ولات لێ مه‌نجه‌لابه‌ فه‌قر و فیه‌ساد و بیه‌كارى و رۆژ ره‌شى دا به‌ سه‌ر ده‌بات . كوره‌كانى شه‌رى رذیمى دواكه‌وتووى سه‌رمایه‌دارى مه‌زه‌ه‌بى ئه‌یران هه‌شتا ده‌با به‌ جنازه‌ى لاوان و خه‌لكى ئه‌سیرى و لاتنه‌كه‌مان ئاطه‌ره‌كه‌ى خو‌ش بكرآ، هه‌شتا ده‌با لاوانى هه‌زار ده‌سته‌ ده‌سته‌ بینه‌ طووشتى ده‌مى توئى سه‌مه‌كارانى شه‌رخوازی حاكیم به‌ سه‌ر ضاره‌نووسیان تاكو خه‌ونى ئیمه‌راتوریه‌تى ئیسلامى مه‌لاكانى حاكیم بینه‌ دى . كضانى ئه‌یرانى بۆ به‌ ده‌س هه‌ینانى سه‌روه‌ت و سامانى زیاتر لێ لایه‌ن مافیای ده‌سه‌لات و سه‌روه‌ت ده‌با كۆمه‌له‌ كۆمه‌له‌ لێ لایه‌ن بانده‌كانى ئیسان فره‌وشى رذیم به‌ دیارى بدرینه‌ شه‌یخه‌ عه‌یاشه‌كانى قه‌راخ كه‌نداوى فارس، ده‌سته‌ ده‌سته‌ لاوان و خه‌لكى ضه‌وساوه‌ى ئیجمه‌ ده‌با بۆ تیر كردنى زكى ذن و مندالى خو‌یان خه‌ته‌راتى تیه‌ره‌بوون لێ سنوره‌كانى عه‌یراق ته‌حمولا‌ بكه‌ن و لێ شه‌ره‌كانى كوردستانى عه‌یراق مانه‌ها به‌ دواى كار به‌طه‌رن و ئاخه‌یریش ده‌س خالى و شه‌رمه‌زار به‌نه‌وه‌ بۆ لای منداله‌كانیان. ته‌حمولى ئه‌م وه‌زعه‌ و ئه‌م سووكایه‌تیه‌ به‌ راستى لێ فه‌كر و مه‌شكى هه‌یض مرؤطیکى ئازادیه‌خواز نا‌طونجا . ته‌نیا ده‌با به‌ طه‌رینه‌ به‌ره‌تى كۆمه‌له‌طا فه‌كر بكه‌ن تاكو شایسته‌ى به‌هار و دزبانى نوآ بیه‌ن.

برووخا رذیمی كۆمارى ئیسلامى ئه‌یران

دامه‌زرا كۆمارى فیده‌راتیوى شوورایى ئه‌یران!

ریكه‌راوى یه‌كیتی فیده‌انیانى كۆمونیست

كۆمیته‌ى نه‌یاله‌تى كوردستان

ره‌شه‌مه‌ى ۱۳۸۶

ناونیشانى ئۆستى ئه‌له‌كترونیكى كۆمیته‌ى كوردستان

kurdistan@fedayi.org

ئیسلامیه‌ لێم ده‌وره‌یه‌دا لێ لایه‌ن سه‌رجه‌م خه‌لكى ذه‌یره‌سه‌مى ولاتى ئیجمه‌.

طه‌لانى سه‌تم لیکراو و ضه‌وساوه‌ى ئه‌یران به‌ ئیمانى ئه‌و به‌ هاتنى به‌هار و دزبانى نوآ با طومان دام و ده‌زطای سه‌ركوت و ضه‌وساندنه‌وه‌ى ده‌سه‌لاتداران ده‌رووخه‌ین و دزبانیکى نوآ به‌هه‌موو خو‌شى و به‌خته‌وه‌رى خوآ داده‌مه‌زیه‌ین. ئه‌مه‌ راستیه‌كه‌ كه‌ شۆرشى كۆمه‌ڵایه‌تى واقه‌یکى زانسته‌ى و دیره‌ یان زوو روو ده‌دات ، به‌لام به‌وز مه‌رجانه‌ى كه‌ هه‌لومه‌رجه‌كانى روو دانى ئه‌م شۆرشه‌ لێ لایه‌ن ئیشه‌ره‌وى شۆرش‌طه‌ر ئاماده‌ بكرآ و به‌ باشى لێم هه‌لومه‌رجه‌كانى بۆ ریکخه‌ستنى خه‌باتى قه‌هر نامه‌یزى ضه‌كدارانه‌ى طه‌شتى به‌ مه‌به‌ستى به‌ده‌سته‌وه‌ طه‌رتنى ده‌سه‌لاتى سیاسى كه‌لكى لێ وه‌ر به‌طه‌ردا . هه‌لبه‌ت خه‌لكى ضه‌وساوه‌یه‌ش ده‌با باش بزانه‌ كه‌ به‌ با خه‌باتى ریک خراو و ریک و ئیک نا‌توان خه‌باتیکى ئوسولى به‌ره‌و ئه‌یش به‌ن و لێ حاله‌تى خه‌باتى ئه‌رتنه‌وازه‌ى رۆژانه‌ فه‌راتر نا‌ضن و هه‌یز و توانای ئه‌وان به‌ خسار ده‌ضا و ده‌سه‌لاتى

سه‌ركوتیه‌ش لێ هه‌ر شه‌كست و سه‌ركه‌وتنى خوى بۆ سه‌رله‌ نوآ سا زدانى خوى و هه‌یرش بۆ سه‌ر



جولانه‌وه‌ى ناره‌زایى ئه‌وان خوى ریک ده‌خات . ئیستا ته‌نها بیانونیکى دیکه‌ وه‌ك هه‌له‌طه‌یرسانى شه‌ریكى دیکه‌ى ناوده‌یه‌ بۆ رذیم ئه‌یسته‌ تاكو هه‌ر ده‌نطه‌یکى ناره‌زایى به‌ بیانونى ده‌سته‌به‌ردانى ده‌ره‌كى لێ كاروبارى ناوخویى به‌ درنده‌ته‌ترین شه‌یه‌ى مومكین سه‌ركوت بكات . خه‌لكى ضه‌وساوه‌ ده‌با به‌ داوى كراوه‌ و به‌ ئه‌زمون وه‌رطه‌رن لێ ته‌جروبه‌یه‌ى شه‌رى ئه‌شوو لێ ساله‌كانى ۱۳۶۰ هه‌ر حه‌ربه‌یکى رذیم بۆ

بیانیه

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

درباره نمایش انتخاباتی رژیم اسلامی
آنکه ناموخت از گذشت روزگار

هیچ ناموزد زهیچ آموزگار!

شرکت در بازیهای «انتخاباتی» رژیم همانا کمک به تداوم حاکمیت ارتجاع بر سرنوشت مردم ویاری رساندن به مافیای قدرت و ثروتی است که از راه فریب و سرکوب به چپاول دسترنج توده های زحمتکش مردم مشغولند.

دیگر بار شعبده ای بنام «انتخابات» برای مجلس فرمایشی نظام جمهوری اسلامی براه انداخته شده است. این نمایش براه انداخته شده است تا همچون سالهای گذشته علی الظاهر وانمود بکنند که در این مملکت ارتجاع زده هم انتخاباتی وجود دارد. در اینجا هم هر چند سال یکبار مردم پای صندوقهای رای میروند. نمایندگان خود را به پارلمان میفرستند. همچون سایر کشورها رئیس جمهور انتخاب میکنند. باز هم مثل کشورهای مدعی دموکراسی رقابت هم وجود دارد! به جای رقابت بین دو نفر، یکی از حزب جمهوریخواه و دیگری از حزب دموکرات آنها با پیش شرط تحمل هزینه بسیار بالا و کسب پشتیبانی شرکت های گردن کلفت، اینجا زیر سایه اسلام ده ها نفر کاندید میشوند که بعضی از آنها آهی در بساط ندارند. تا مردم یک نفر از بین آنها را برای ریاست جمهوری «انتخاب» کنند. چون امامشان هم سفارش کرده است که میزان رای مردم است. پس باید نشان دهند که در حکومت اسلامی آنها بازی دموکراسی و حقوق بشر رعایت میشود.

اگر دموکراسی بورژوائی را میتوان به شکل و شمایل، پاکستان پرویز مشرف، شیلی پینوشه، مصر حسنی مبارک، عربستان سعودی وده ها کشور استبداد زده دیگر به خلق اله قالب کرد. چنین شکل و شمایلی از دموکراسی چرا برازنده جمهوری اسلامی نباشد. رژیم حاکم و مافیایی که قدرت و ثروت این کشور را در چنگ گرفته اند به خوبی از یک چنین بازی انتخاباتی برای مشروعیت دادن به نظام خود سود برده و میبرند.

آنها از یک طرف جواب هر اعتراضی و انتقادی از سوی، دانشجویان، کارگران، زنان، جوانان و سایر اقشار مردم را با دستگیری، شکنجه و اعدام جواب میدهند و از سوی دیگر ادعا میکنند که جمهوری اسلامی «آزادترین» کشور جهان است!! آنها از یک طرف به سبک خود

«انتخابات» میگذارند و مدعی هستند که انتخابات در ایران آزاد است. و از مردم میخواهند در این انتخابات شرکت کنند. از طرف دیگر نه تنها هر مخالفی را، حتی آنهایی را که شک و شبهه ای در اصل ولایت فقیهه و اسلامیت نظام داشته باشند رصد صلاحیت میکنند بلکه مدافعین پرو پاقرص نظام ارتجاعی جمهوری اسلامی و یاران خود را نیز از صافی صلاح و مصلحت خویش میگذرانند. آنها در واقع با این بازی انتخاباتی به ارگانهای مورد لزوم و انتصابی خود مشروعیت میدهند. و سرپوشی میسازند برای ادامه سرکوب و غارت و چپاول ثروت ملی و دسترنج توده های مردم، اشاعه بیکاری فساد اعتبار، آوراگی ورنج و غذایی که هم اکنون میلیونها نفر از مردم با آن دست به گریبان هستند. با این وجود هنوز کسانی هستند که یا بخاطر منافع کلان اقتصادی و موقعیت شغلی و سیاسی خود مشوق شرکت در چنین نمایشی هستند و یا هنوز درس کافی از سه دهه حاکمیت فریب و سرکوب ارتجاع چیزی نیاموخته اند.

اما آنکه ناموخت از گذشت روزگار هیچ ناموزد زهیچ آموزگار اکنون بعد از سه دهه ماهیت چنین نمایش انتخاباتی برهمگان روشن و واضح است. شرکت در این بازیهای انتخاباتی رژیم همانا کمک به تداوم حاکمیت ارتجاع بر سرنوشت مردم و یاری رساندن به مافیای قدرت و ثروتی است که از راه فریب و سرکوب به چپاول دسترنج توده های زحمتکش مردم مشغولند. مردم آگاه و مبارز، توده های رنج و کار میباید از سه دهه حاکمیت فریب و سرکوب رژیم و نمایش های انتخاباتی آن درسهای لازم را گرفته باشند و میباید با تحریم شرکت در بازیهای انتخاباتی رژیم نشان دهند که با کاربست عملی تجربیات گذشته، میخواهند راه سرنگونی رژیم و تمام دم و دستگاه مافیایی ثروت و قدرت آن را هموار و بر سرنوشت خویش حاکم شوند. جوانان، دانشجویان، روشنفکران و سازمانها و احزاب انقلابی میباید ضمن ارتقای سطح آگاهی مردم از هدف ترتیب دادن چنین نمایشاتی از سوی رژیم و تشویق آنها به عدم شرکت در چنین بازیهای فریبکارانه ای، چشم انداز و امکان سازمانیابی آنها را در ارگانهای اقدار واقعی خویش و تشکیل نهاد های آلترناتیو در مقابل مجالس فرمایشی و قدرت فاسد مافیایی کنونی حاکم بر کشور توضیح دهند و در راه تبلیغ و ترویج و سازماندهی چنین ارگانهای گام بردارند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران

برقرار باد جمهوری فدائیتو شورانی ایران

زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

۲۰ اسفند ۱۳۸۶

آنکه گذشته را به خاطر نمی آورند محکوم به تکرارند

به نام آزادی که به آن ایمان داریم و برای به احتزاز در آوردن پرچم آن در سراسر این مرز و بوم مبارزه میکنیم

به نام دموکراسی که پاسدار همیشگی آزادی است. این اندیشه انسانی که رژیمهای استبدادی و ارتجاعی برای نابودی آن در تلاشند و میکوشند تا این حقیقت تابناک انسانی را در برابر چشمان دوستداران دموکراسی در کشور ما به خاک و خون بکشند. ماده ۲۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر میگوید هر کس حق دارد بکوشد تا در سطح اجتماعی و جهانی چنان نظام و سامانی حکمفرما گردد که حقوق و آزادیهای که در اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام شده است در آن سطح به نتیجه کامل برسد پس باید در این هدف والا همه آستین را بالا بزنیم تا آفت دیوان فتنه انگیز و سودپرست و ریاکار از دودمان بشر دور گردد. آزادگان و آزادیخواهان ایران دست در دست هم همگام و هم آواز با آزاده گان جهان زیر درفش دفاع از حقوق بشر نگذاریم بت سازی و بت پرستی پای گیرد، نگذاریم آزادی ستیزان و دشمنان مردم به حریم پاک آزادی و حقوق بشر تجاوز نمایند و اجازه ندهیم دیو استبداد در این بوم و بر بیش از این ریشه دواند.

هم میهنان گرامی با توجه به در پیش بودن نمایش انتخابات برای تعیین اعضای مجلس فرمایشی رژیم در ۲۴ اسفند به منظور تنویر افکار عمومی و بیدارسازی وجدان مردم خفته و ستم دیده کشور موارد ذیل را به اطلاع میرسانیم:

۱- اگر در انتخابات، میزان رای ملت باشد باید بستری مناسب جهت ایجاد حق رای و اعمال اراده سلاقی مختلف مهیا شود یعنی باید به گرایشها، سلاقی و عقاید گوناگون فرصت

۹- شرکت در انتخابات به معنای مهر تائید زدن بر اقدامات غیرانسانی حکومتی است که در فرصت ۲۹ ساله خود علاوه بر سرکوب آزادیهای فردی و سیاسی و اجتماعی، دست آوردی جز فقر، فساد، فحشا، اعتیاد، قتل‌های زنجیره ای، تبعیض، خفقان، غارت، تاراج سرمایه و غیره نداشته و به جای توجه به مشکلات اساسی جامعه به نام دین به دخالت در خصوصی ترین امور زندگی مردم پرداخته و سبکسرانه نوع پوشش زنان و جوانان را معضل ملی می انگارد و برای دختران محروم از کمترین امکانات به اسم بدحجابی پرونده سازی میکنند و به نام امر به معروف آنان را محکوم به سنگسار و اعدام و حلق آویز مینماید.

۱۰- ما زندانیان سیاسی هر چند با حضور خود در زندان موضع خود را در قبال انتخابات مشخص کرده ایم اما بدینوسیله اعلام میکنیم « نام این نمایش مسخره انتخابات نیست و ضمن تحریم آن هرگونه سکوت و بی تفاوتی در خصوص تحریم انتخابات را بی توجهی و خیانت به آرمانهای جانباختگان راه آزادی و آزادیخواهان دربند میدانیم و از تمام هم میهنان عزیز به خصوص فعالان دانشجویی، سیاسی، مدنی، اجتماعی و غیره میخوانیم تا با تمام توان با تحریم انتخابات به حمایت از آرمانهای آزادی، دموکراسی و حقوق بشر برخیزند»

۱۱- آزاد اندیشان شما را به شرف انسانی سوگند میدهیم با تحریم انتخابات هر چه رساتر فریاد اعتراضتان را در حمایت از یکایک ایرانیان بویژه زندانیان سیاسی دربند، دانشجویان ممنوع التحصیل و ممنوع الورد به دانشگاهها، خانواده های رنج کشیده جانباختگان راه آزادی و افکار محکوم به انزوا به گوش جهانیان برسانیم به این امید که دیو استبداد را به بند کشیده و تابوت بیداد و ستم را برای همیشه در قعر تاریخ ایران مدفون نمائیم.

کوهها با همد و تنهاند همچوما با همان تنهائیان

جمعی از زندانیان سیاسی زندان اوین

(اندرزگانه‌های ۲ و ۸)

۸۶/۱۲/۲۰

۶- اگر فرض بر این باشد که انتخاباتی نسبتاً آزاد با فرصتهایی نسبتاً برابر برای تمام افراد و گروههای سیاسی در کشور برگزار شود که البته چنین فرضی کاملاً محال است و مجلسی قوی از نظر پشتوانه آرای مردم هم انتخاب شود کاملاً بدیهی است که لویج و تصمیمات آن براحتی با حکم حکومتی از دستورکار مجلس خارج شده و یا با اعمال سلیقه شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام وتو میگردد.

۷- با گذشت ده سال از دولت اصلاحات به اعتراف صریح حضرات مشخص گردیده که اصولگرایی همان اصلاح طلبی و اصلاح طلبی همان اصولگرایی است و به عبارت ساده تر گرگهای با گله آشنا، سالها ما را با چوب و رخت شبانی فریفته اند، اصلاح طلبی که دستش در دست اصولگرا است سگ زردی است برادر شغال که سالهاست با جنگ زرگری شعور سیاسی مردم را به بازی گرفته اند و غارت و چپاول سرمایه های مملکت را به اسم دفاع از منافع ملی و هرگونه انتقاد فعالان سیاسی، دانشجویی و مدنی را اقدام علیه امنیت ملی نامیده و به سرکوب و حبس و شکنجه متقصدان میپردازند. مصلحین جامعه و دلسوز مردم نه بر خوان هفت رنگ مسئولین نظام که در گوشه زندانهای رژیم نشسته اند و کسانی که خود را داعیه دار و پرچم دار اصلاحات میدانند فرصت طلبانی میباشد که در ۱۴ بهمن ۱۳۵۵ در گروه شصت و شش نفره سپاس برای شادی اعلیحضرت شعر و سرود خواندند و برای سلامتی ایشان دست به دعا برداشتند.

۸- آقای خمینی در ۱۲ بهمن ۵۷ صرحتاً اظهار کرده اند که هر کسی سرنوشتش با خودش است مگر پدرهای ما ولی ما هستند. مگر اشخاصی که صد سال پیش از این بودند میتوانند سرنوشت ملتی را که بعدها وجود پیدا میکنند را تعیین بکنند. امروز ۲۸ سال از فراندوم سال ۵۸ میگذرد و بیش از ۶۰ درصد جمعیت آماری کشور شامل افرادی که یا در آن زمان از لحاظ سنی واجد شرایط رای دادن نبوده اند و یا هنوز به دنیا نیامده بودند با توجه به ادعاهای اقلیت حاکم مبنی بر خدمات بی شمار به ملت و پشتوانه عظیم مردمی خود از حکومت انحصار طلب و تمامیت خواه دعوت میکنیم پس از گذشت ۲۹ سال با برگزاری یک فراندوم دیگر مشروعیت خود را به اثبات برساند. بدیهی است فراندوم تنها انتخابات مشروع میباشد و اطمینان کامل داریم که اکثریت خاموش که قربانی ظلم و جور حکومت خودکامه اند پیروز و سربلند از این انتخابات بیرون خواهد آمد.

حضور در انتخابات داده شود تا مشروعیت یا عدم مشروعیت گروهها با توجه به میزان مقبولیت آنان نزد مردم حاصل شود و به تعبیر دینی، سیاسی و فلسفی مشروعیتی بالاتر از اراده و رای مردم وجود ندارد و اگر این فرصت به گروهها و سلاقی مختلف داده نشود نمیتوان هیچگونه مشروعیتی برای انتخابات قائل گردید.

۲- انتخابات زمانی آزاد و عادلانه محسوب میشود که تمامی شهروندان در امنیت کامل و فارغ از هر نوع سوء استفاده کارگزاران حکومتی بتوانند نامزدهای خود را انتخاب نمایند زیرا که مجلس ایده ال بر اساس آرای آزاد ملت و حق انتخاب کردن و انتخاب شدن آزاد استوار میباشد.

۳- مشارکت سیاسی باید آگاهانه باشد از اینرو مشارکتهایی که به واسطه عدم آگاهی و اطلاع رسانی کافی در فضایی شدیداً امنیتی برای اعمال سانسور خبری در جامعه و از روی اجبار، اکراه، ترس و فشار صورت پذیرد، نآزاد، ناعادلانه و نامشروع خواهد بود.

۴- بر کسی پوشیده نیست که نه تنها مخالفان حق شرکت در انتخابات را ندارند بلکه شورای نگهبان از میان کارگزاران و موافقان حکومتی نیز با اعمال نفوذ به حذف رقبای خود در جناحهای دیگر رژیم و دستکاری در نتیجه انتخابات میپردازد به طوری که نتایج انتخابات درون حکومتی نیز برای جناح حاکم از قبل قابل پیش بینی میباشد در واقع شورای نگهبان با نظارت استصوابی شرایط حضور کسانی را در مجلس فراهم میکند که «بله قربان» گوی حکومت باشند نه حافظ منافع و حقوق ملت.

۵- طبق اصل ۸۶ قانون اساسی نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف مقام نمایندگی در اظهار نظر و رای خود کاملاً آزادند و نمیتوان آنان را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده اند و آراءیی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود دادند تحت تعقیب قرار داد.

به گواه تاریخ در دوره حکومت رضاخان که حتی مسئولان همین نظام هم از او به عنوان یک دیکتاتور یاد میکنند هیچ یک از نمایندگان مجلس در دوره نمایندگی خود تحت بازداشت و دستگیری قرار نگرفته و از مصونیت قانونی اظهار نظر برخوردار بوده اند حال آنکه در جمهوری اسلامی چنین مصونیتی وجود نداشته و نمایندگان مجلس به خاطر دفاع از حقوق ملت تحت تعقیب و پیگردهای غیرقانونی قرار میگیرند

فرا رسیدن نوروز نوید بخش را به تمام زندانیان و خانواده های عزیزشان تبریک می گوئیم

آری... آزادی... آنگاه بهار می آید.

آزادی
آزادی
آری آزادی
آری صدای رعد انقلاب می آید

بر قرار باد جمهوری فدراتیو شورایی ایران.

بهار می آید.

در پشت پنجره زندان است
از پشت پنجره بهار می آید
از پشت پنجره
در پشت زده ها

از پشت پنجره صدا می آید
از پشت پنجره صدای رعد می آید.

صدای رعد می آید
صدای شکستن زنجیر
صدای توفان انقلاب.

نه!
از پشت زده های پنجره فریاد رعد
می آید

در پشت پنجره
گوله با سینه همراه است
از پشت زده ها
صدای رعد می آید.

در پشت پنجره
کسی زاییده می شود
از پشت زده ها صدای فریاد می آید

از پشت پنجره بهار می آید
از پشت زده ها
بهار می آید.

از این اطاق بیرون باید رفت
زمان زایش فرار رسیده است.

گلهای در بند نوروزتان پیروز.

آری صدای فریاد نوزادی
به رنگ سرخ
به رنگ بلخند
به رنگ آزادی

م. ایزدیار

از درون شب تار، می شکوفد گل صبح

در تکاپو تمام

خنده بر لب گل خورشید کند، جلوه بر کوه بلند

عاقبت، کوره خورشید گدازان گردد!

نیست تردید، زمستان گذرد، و ز پی اش پیک بهار، با هزاران گل سرخ،

سعید سلطانیپور

بی گمان می آید در گذرگاه شب تار،

به دروازه نور، گل مینای جوان، خون بیفشانده تمام، روی دیوار زمان

لاله ها نیز نهادند به دل، همگی داغ سیاه

گرچه شب هست هنوز، با سیه چنگ بر این بام آونگ

آسمان غرق ستاره ست و لیک خوشه ها بسته ستاره، گل گل

توده ها گشته شراره هر جا خوشه اختر سرخ

با تپش های سترگ



ماهی سیاه کوچولو!

چه ابتکار جالب و هدیه معنی داری

برای مردم دربند ستم و استثمار و زور و سرکوب آمده است که: روز گذشته در ضلع شمالی پارک لاله، هزار ماهی سیاه کوچولو به شهروندان تهرانی هدیه شد.

به گزارش ادواریوز روز گذشته و در یک اقدام خودجوش، توسط جمعی از دانشجویان، در یک اجرای خیابانی در قالب هنر اعتراضی، پخش ماهی های سیاه، نظر رهگذران را به خود جلب کرد و هر کدام متناسب با برداشت های خود، از این حرکت استقبال کردند.

بنا بر این گزارش، هدیه ماهی های سیاه کوچولو، به همراه برگه ها، در سطح شهر، آشنایی زدایی از شهروندان تهرانی داشت، که شعر موجود در تراکت ها این واکنش را نمایان تر ساخت.

شعری از محمد رضا شفیعی کدکنی:

هیچ می دانی چرا چون موج
در گریز از خویشتن پیوسته می کاهم؟
زان که بر این پرده تاریک
این خاموشی نزدیک
آنچه می خواهم نمی بینم
آنچه می بینم نمی خواهم

نوشیم به شادمانی آن دم شراب سرخ کز شرک انقلاب دمد آفتاب سرخ

چهارشنبه سوری

مردم ایران بویژه توده جوانان از هر امکان و وسیله ای استفاده میکنند تا نفرت و انزجار خود از ستم و سرکوب حاکم بر زندگی شان را اعلام کنند.

جشن و آتش بازیهای چهارشنبه سوری نیز بعنوان یک سنت دیرینه ایرانی از این امر مستثنی نیست. مردم بویژه جوانان آخرین شب چهارشنبه هر سال به پشت بام ها میروند و یا درمیادین و خیابانها جمع میشوند و ضمن روشن کردن آتش و پریدن از روی آن به رقص و شادی میپردازند.

ممانعت از آزادی دانشجویان و فعالان سیاسی باعث شد تا خانواده چند تن از دانشجویان سیاسی هنگام تحویل سال ۱۳۸۷ را در کنار دیوار های زندان اوین بگذرانند. به این ترتیب بود که آنان سفره های هفت سین خود را در کنار زندان اوین چیدند، سفره های هفت سینی که با عکس دانشجویان سیاسی مزین شده بود. این در حالی است که با وجود تودیع قرار وثیقه برای تعدادی از این دانشجویان و یا امکان آزادی مشروط، آنان همچنان در زندان به سر می برند. محمد ملکی که به همراه تعدادی از فعالان سیاسی و دانشجویی در جمع خانواده دانشجویان زندانی حاضر شده بود، در سخنان کوتاهی با اشاره به دوران بازداشت خود در زندان و در سال های گذشته گفت که حال شما و همه خانواده های زندانی را خوب درک می کنم. او در ادامه خطاب به کسانی که دانشجویان را پشت میله های زندان نگه داشته اند گفت: پیام این است که تا کی و تا چند باید دانشجویان و دوستان عزیز ما دارای اندیشه هستند باید در پشت میله ها و به دور از خانواده خود به سر برند. به کدامین گناه این بچه ها را اسیر کرده اید؟! آنها چه کرده اند؟ او آنگاه چند شعری را که در دوران زندان خود سروده بود، قرائت کرد.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

رژیم جمهوری اسلامی از همان روز سرکار آمدن اش خیلی تلاش کرد تا با سرکوب و تبلیغ و ایجاد موانع مختلف مردم را از شرکت در جشنهای چهارشنبه سوری بازدارد. اما هرگز به این هدف خود نرسید و هرچه تلاش کرد در عمل مردم بمنظور دهن کجی به رژیم با شور و شوق بیشتری در این جشنها شرکت کردند به رقص و پایکوبی پرداختند در عین حال از فرصت استفاده کرده و شعار ها و مطالبات خود را مطرح نمودند.

در این روزها بویژه شعارهای سرنگونی رژیم و افشای ماهیت آن و نیز شعارهای آزادیخواهانه و برابری طلبانه به ابتکار جوانان و نوجوانان به میان مردم رفته و جنبه عمومی تری بخود میگیرند. امسال نیز رژیم با بسیج بیشترین نیرو و اخطارها و دستورالعملهای مختلف ارگانها ی سرکوب خود، سعی کرد با ایجاد رعب و وحشت مانع از برگزاری مراسم چهارشنبه سوری شود. اما امسال نیز همچون سالهای قبل مردم و بویژه جوانان دختر و پسر با برپائی جشن چهارشنبه سوری و دادن شعارهای ضد رژیم و آزادیخواهانه اعلام کردند که مرعوب فضای رعب و وحشت و به گیر و بند رژیم نمیشوند. آنها با صدای بلند و دسته جمعی خواستار آزادی زندانیان سیاسی و آزادی بیان، اجتماعات و مطبوعات شدند.

طبق گزارشات منتشره ده ها منطقه از تهران و شهرستانهای مختلف شاهد درگیری ماموران رژیم با جوانان و نوجوانان دختر پسر بودند که ضمن رقص و پایکوبی و پریدن از روی آتش شعارهای آزادیخواهانه و برابری طلبانه و ضد ارتجاع را فراموش نکرده بودند.

سال نو در کنار زندان اوین



به مناسبت سالگرد مرگ مارکس

این بدین معناست که تولید وسایل مادی لازم برای زیستن و، از همین رو، میزان تکامل اقتصادی هر جامعه یا هر دورانی همانا بنیادی است که نهادهای حکومتی، نگرشهای قانونی، برداشتهای هنری و حتی اندیشه های دینی، همه، برای آن ساخته شده اند. و این بدین معناست که دومی هارا باید در پرتو اولی ها روشن کرد، نه - چنان که تاکنون میکرده اند- برعکس. اما این کل کار اونیست.

این بدین معناست که تولید وسایل مادی لازم برای زیستن و، از همین رو، میزان تکامل اقتصادی هر جامعه یا هر دورانی همانا بنیادی است که نهادهای حکومتی، نگرشهای قانونی، برداشتهای هنری و حتی اندیشه های دینی، همه، برای آن ساخته شده اند. و این بدین معناست که دومی ها را باید در پرتو اولی ها روشن کرد، نه - چنان که تاکنون میکرده اند- برعکس.

اما این کل کار اونیست .

مارکس همچنین، قانون ویژه ای از حرکت را کشف کرد که بر شیوه تولید سرمایه دارانه ی امروزی و بر جامعه بورژوا که این شیوه تولید پدید آورده است حاکم است، کشف ارزش اضافی ناگهان بر این مشکل نور افشاند؛ حال آن که پژوهشگران پیشین، هم اقتصاددانان بورژوا و هم منتقدان سوسیالیست، همه کور مالان، در تاریکی راه می رفته بودند.

دوتای از این گونه کشف ها برای یک عمر بس است. شادا کسی که بخت آن را داشته باشد که حتی به یکی از اینگونه کشف ها برسد. مارکس، اما، در هر گستره ای که پژوهش کرد (و او در گستره های بسیاری پژوهش میکرد و در هیچیک نه به سرسری) حتی در گستره ریاضیات نیز، به کشفهای مستقلی دست یافت.

چنین بود این مرد علم. اما این مرد علم بیش از نیمی از مارکس نبود. برای مارکس، علم همانا یک نیروی انگیزاننده، یک نیروی انقلابی تاریخ بود. گرچه در برخورد با هر کشف نظری ناب، که شاید هیچگاه نیز کاربرد عملی نمی یافت، سخت شادمان میشد، اما شادی او دیگرگونه بود آنگاه که به کشفی برمی خورد که بی درنگ پیشاورنده ی دگرگونیهای انقلابی در صنعت، در تکامل تاریخی به طور کلی باشد. برای نمونه او از زنجیره کشف ها در زمینه نیروی برق و در این اواخر، کشف های «مارسل، دپرز» را از نزدیک دنبال میکرد.

از آموزش و پرورش حق کودک است و دولت باید امکان آموزش ابتدایی و رایگان و اجباری را برای کودکان فراهم آورد و طبق ماده ۳۲ همین کنوانسیون کودکان باید در برابر کاری که رشد و سلامت او را تهدید می کند، حمایت شوند و به کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال طبق ماده ۷۹ قانون کار جمهوری اسلامی ممنوع است.

این در حالی است که بیشتر کودکان مشغول به کار در شهر همدان کمتر از ۱۵ سال دارند. بیشتر کودکان حاشیه شهر به کارگری و شاگردی در کارگاهها می پردازند؛ کارگاههای سفال سازی شهر لالچین که در قسمت مرکزی استان همدان و در شهرستان بهار قرار دارد شاهد دختران و پسران نوجوانی است که آثار درد و خستگی در چهره شان نمایان است کودکانی که تمامی روز را بدون دیدن روشنی آفتاب در کارگاههای تاریک سپری می کنند تا شاید فنون کوزه گری را بیاموزند.

«علیرضا محمدخانی» نوجوانی سیزده ساله که در میان انبوهی از کوزه های ساخته شده مشغول کوزه گری است، می گوید: کار در این کارگاه تمام وقت است و باید تمامی سال را در این کارگاهها به کار بپردازیم.

وی ادامه می دهد: حقوق کارگران کم سن و سال نصف بزرگسالان است. آنان با ما قرارداد نمی بندند و حقوق را خودشان تعیین می کنند. «سید محمد رازی» هشت ساله که فشار کار او را تحریف و ضعیف کرده است، می گوید: در اینجا باید زودتر از همه ساعت پنج صبح به کارگاه بیایم و برای کارگران بزرگتر صبحانه آماده کنم و ساعت دوازده شب باید کارگاه را تمیز کنم.

او در ادامه در حالیکه با لکنت حرفش را ادامه می دهد، می گوید: در صورت کم کاری علاوه بر کم شدن حقوق، کارفرما تنبیه بدنی هم در نظر می گیرد؛ این در حالی است که در کشور ما طبق مواد ۷۵ و ۷۶ قانون کار اگر کارفرمایی کودک زیر ۱۵ سال استخدام کند تخلف کرده و جریمه می شود.

«فاطمه محمدی»، دختر نوجوانی که در همین کارگاه کار می کند، می گوید: این کارگاه نه نور دارد و نه هوا، نه دستگاه تهویه، هوا در زمستان اینجا سرد و در تابستان داغ می شود. کارفرمایان کمتر به کارگاه می آیند.

وی در رابطه با حقوق و مزایای خود می گوید: به ازای ساختن هر کوزه یا گلدان ۲۰۰ تومان می گیریم اگر در روز بتوانیم ۵ تا گلدان یا کوزه درست کنیم روزانه ۱۰۰۰ تومان دستمزد می گیریم و باید از خانه غذا بیاوریم .

«رضا کرمی» نوجوان همین کارگاه می گوید:

چرا که مارکس، پیش از هر چیز یک انقلابی بود. سهم داشتن، از هر راهی که باشد، در برانداختن جامعه سرمایه داری و نهادهای حکومتی که این جامعه پدید آورده است؛ سهم داشتن در آزاد ساختن پرولتاریا، که او نخستین کسی بود که آن را از موقعیت و نیاز و از شرایط رهایی خویش آگاه کرد- این بود که ماموریت راستین او در زندگانی. جنگیدن همانا عنصر او بود. کم بوده اند انسانهایی که با این همه شور، چنین سرسختانه و چنین پیروزمندانه جنگیده باشند. نوشته های درنخستین دوره روزنامه راین تزونگ ۱۸۴۲ و در روزنامه های پاریس ۱۸۴۴ و نئو پروسسل ۱۸۴۷ راین ۱۸۴۸-۴۹ و نیویورک تربیون ۱۸۵۲-۶۱ و افزون بر اینها، انبوهی از جزوه ها و کتابچه های رزمجوانانه، کارکردن در سازمانهای کمونیستی در پاریس و بروکسل و لندن، و سرانجام و بالاتر از همه بنیاد گذاری اتحادیه های بین المللی کارگران (انترناسیونال نخست)- این است کارنامه او، بنیاد گذاری انترناسیونال دست آوردی بود که مارکس، که اگر هیچ کار دیگری نکرده بود نیز، میتوانست به راستی از آن برخوردار باشد.

وازمین رو، مارکس پیش از هر کس دیگری در زمانه خویش آماج کینه و تهمت بود. حکومتهای گوناگون، هم جمهوری و هم سلطنتی، او را از قلمرو خویش می راندند. بورژواها، از محافظه کاران گرفته تا ابر آزادیخواهان، میکوشیدند تا در برچسب زدن به او از همدیگر پیشی بگیرند. او همه اینها را همچون پرده ای از تار عنکبوت، به کناری میزد و نادیده می گرفت، و تنها هنگامی به پاسخ گوئی بر می خواست که ضرورتی حاد ناگزیرش می کرد. با این همه، او در حالی مرد که میلیونها کارگر انقلابی، از معدن های سیبری گرفته تا کالیفرنیا، در سراسر اروپا و آمریکا، دوست اش می دارند، به او احترام میگذارند و در مرگ اش سوگواری میکنند. و به جرات می توانم بگویم که، مخالفانش بسیار بودند، حتی یک دشمن شخصی نیز نداشت.

نام او در همه روزگاران آینده برجای خواهد ماند، و نیز کار او.

همدان بیش از شصت و سه هزار کودک کارگر دارد

سکوت کودکان در برابر سرمایه از شش صد هزار کودک محروم از تحصیل زیر پانزده سال در ایران که به کار دائمی مشغولند حدود شصت و سه هزارتن از این کودکان در شهر همدان زندگی می کنند. در حالی که به موجب ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک بر خورداری

جانباختگان کشتار سال ۶۷، به همراه جمع کثیری از مردم، در گورستان خاوران گرد هم آمدند.

حضور گسترده مردم، بخصوص جوانان، با دسته های گل، جلوه زیبایی به این گلستان داده بود. مراسم با یک دقیقه سکوت و خواندن قطعه شعری بمناسبت نوروز توسط یک از اعضای خانواده جانباختگان شروع شد و پس از آن چندین تن از اعضای این خانواده ها با خواندن شعر و مقاله مراسم را ادامه دادند.

عده ای از جوانان که از اعضای همین خانواده ها بودند، قطعات موسیقی زیبای نواختند و ترانه هایی به یاد آن عزیزان، که کمتر خاطره ای از آنها به ذهنشان مانده است، سرودند. فرزندان جانباختگان، با حضور فعال در گلزار، تمام لحظات در تلاش و تکاپو بودند تا این مراسم به نحو پسندیده ای برگزار شود. آنان با دقت، ظرافت و وسواس خاصی، گل و سبزه بر خاک می افشاندند و می نشانند.

چندین مقاله و شعر خوانده شد و در پایان مراسم، به رسم همیشه، همگی با خواندن سرود، سرتاسر خاوران را، آنجائی که دلبدانشان آرامیده اند، گل باران کردند. حضور مادرانی که توسط نوه های خود کمک می شدند، تا بتوانند این مسیر را طی کنند، آمیخته از غرور و صلابت و پایمردی بود. آخر آنان برای حفظ این خاک مرارتها کشیده اند. خواهر یکی از این جانباختگان قطعه زیر را به مناسبت این روز در مراسم سروده است.

به مناسبت بیستمین نوروز

می خواهند تاریخ حماسه تان را فراموش کنیم

می خواهند یادمان برود که از حلقه های

یادبود همسرانان هم گذشت نکر دند

لباسها، نوشته ها، عکسها و وصیت نامه ها

یتان را هم ندادند

گویی بس نبود که پیکر بی جانتان را با آهک

متلاشی کردند

می خواهند، استخوانهای شلاق خورده اتان

را مخفی کنند

می خواهند تاریخ، جسم بی نیاز به کفن تان

را

که اندیشه های سپید مضممش می کرد

فراموش کنیم

می خواهند گلستان را گورستان کنند

پیراهن چهار خانه، اندام استخوانی، موهای

سیاه، سفید و جو گندمی

که از لابه لای دوغاب ماسه و آهک

کارفرما از کارمان راضی باشد.

وی یکی از مشکلات اصلی در بعضی از کارگاهها را که در اطراف استان قرار داد، فساد اخلاقی دانست که برای دختران کودک و نوجوان مشکلات بسیاری بوجود آورده است. در این ارتباط کارشناس امور آسیب دیدگان سازمان بهزیستی همدان می گوید: کودکان زیر هیجده سال که در سطح خیابان کار می کنند از نظر ما کودکان کار و یا کودکان خیابانی هستند و در معرض انواع آسیب های جسمی و جنسی و روانی قرار می گیرند این کودکان یا دارای خانواده نیستند و یا سرپرست آنها متواری شده و یا معتاد هستند و کودکان منبع در آمد خانواده می شوند.

« ناصر شایگان » افزود: این کودکان و نوجوانان نمی توانند سرپرست خانواده باشند و به هر نحوی تحت پوشش سازمان بهزیستی و کمیته امداد قرار می گیرند، کودکان کار در سطح خیابان به مشاغل کاذب می پردازند تا به وسیله آن منبع در آمدی برای خانواده داشته باشند اما به عنوان سرپرست خانواده تلقی نمی شوند.

وی گفت: جمع آوری و ساماندهی کودکان خیابانی از طریق تیم سیار انجام می شود و خانواده کودکان از نظر روانی و خانوادگی بررسی می شود و اگر دارای خانواده باشند به خانواده ها آموزش داده می شود تا از ورود کودکان به خیابان ممانعت کنند.

وی در خصوص کودکانی که خانواده ندارند، تصریح کرد: کار این کودکان نیز غیر قانونی است و بعد از جمع آوری، به مراکز شبانه روزی انتقال داده می شوند.

وی آموزش و مشاوره با این کودکان و خانواده ها را یکی از وظایف آموزش و پرورش دانست و افزود: آشنایی کودکان با حقوق خود باعث می شود که آسیب آنان به حداقل کاهش یابد.

وی افزود: این کودکان به علت نیاز مادی وارد بازار می شوند و سپس مورد استثمار قرار می گیرند که بابالا بردن سطح فرهنگی و تامین نیاز مالی می توان این آسیبها را از بین برد.

تنظیم از جواد عقیلی

می دانیم کار این کارگاه برایمان زیان آور است، ما حتی از نور خورشید محروم هستیم، دست و پاهایمان همیشه درد می کند، کارما زیان آور است اما باید تحمل کنیم و حق هیچ شکایتی را نداریم.

کودکان بدون توجه به شرایط سنی و جسمی در کارهای ساختمانی و سنگین مشغول به کار هستند؛ «امین محمدی» ۸ ساله که باید پشت میز مدرسه باشد مشغول هل دادن فرغون بود؛ بدن ضعیف و لاغری داشت. هنگامی که از او سوال کردم چرا کار می کند و چقدر می گیرد، ترسید و با لکنت و دستپاچگی جواب داد: پدر ندارم، مجبورم کار کنم، پول نداریم درس بخوانم، اینجا کارگری می کنم، اشک در چشمهای امین جمع شد، سکوت کرد گویی نباید حرف می زد.

نوجوان ۱۵ ساله دیگری که مشغول درست کردن گچ برای گچ کاری در ساختمان بود، گفت: می دانم کار کردن ما غیرقانونی است کارفرما هم می داند، اما چون احتیاج داریم تن به هر کاری می دهیم.

وی افزود: به خاطر غیرقانونی بودن کار ما، نصف حقوق دیگران را می گیریم و نباید اعتراض کنیم زیرا از کار بیکار می شویم.

« علی جلالوند » نوجوان شاغل در ساختمان نیز گفت: چون کار کردن ما غیرقانونی است هیچ اعتراضی نمی کنیم، کارفرمایان هم سوء استفاده می کنند و حقوق نمی دهند.

« رضایی » یکی از کارفرمایان می گوید: اکثر کودکان و نوجوانانی که به کار دائمی در کارگاه مشغول هستند سرپرست و یا اداره کننده خانواده های خویش هستند و چاره ای جز کار کردن ندارند.

وی اظهار داشت: بسیاری از نوجوانان برای به دست آوردن منبع در آمد حتی با وجود سن کم به قاچاق مواد هم می پردازند؛ در نتیجه خانواده ها حاضرند کودکان آنها سختی کار را تحمل کنند اما به کار غیر قانونی آلوده نشوند.

مطابق ماده هشتاد قانون کار مصوب سال هزار و سیصد و شصت و نه، کارگری که سنش بین ۱۵ تا هیجده سال باشد کارگر نوجوان است و در حمایت قانون قرار دارد.

براساس قانون، برای به کار گرفتن نوجوانان مقرراتی پیش بینی شده که در حال حاضر هیچ یک از این مقررات اجرا نمی شوند، اکثر کارهای کودکان برای آنها مضر است و سلامت روحی و اخلاقی آنها را به خطر می اندازد.

« فاطمه سالکی » ۱۵ ساله که در کارگاه قالبیافی مشغول به کار است، می گوید: هوای کارگاهها آلوده است حتی نور کافی برای بافت قالیچه نداریم، اما باید با این مسائل کنار بیاییم تا

سال نو در گلزار خاوران

با سیلاب های باران بیرون زده بود فراموش کنیم
و قارقار کلاغ های نفرینی تابستان ۶۷ را بر فراز گلستان خاوران
بطری های فرو رفته در زمین آهکین برای سیرابی چند ساعته ی
گل های گلستان
و عطش فرزندان مات و مبهوت تان را در آن بیابان بی آب و علف
که می گشتند تا به تکه زمینی حس یابند و بر آن سنگی نشان کنند و

تا تبدیل به گورستانی عادی نمایند
آنها غافلند که ما نزدیکان به خون خفتگان گلستان تا زنده ایم
آرزوی این رذالت را بر دل سیاه کور دلان باقی خواهیم نهاد
ما امسال را هم بهار با تجدید عهد با عزیزانمان شروع می کنیم و با
درسی که از مقاومت، شهادت و پایداریشان آموخته ایم، تا اثبات
بی گناهی شان از پای نمی نشینیم
باشد که دیگر این جنایت ها در تاریخ تکرار نگردد
زنده باد آزادی، زنده باد خاطره ی تابناک تمامی جانباختگان راه



گور خیالی بابا را علامت بزنند
می خواهند این سند خاکی را از ما بگیرند
خاک پر از برکه و زر را

آزادی و دمکراسی دادخواهان کشتار ۶۷
جمعه ۲۴ اسفند ۱۳۸۶ برابر ۱۴ مارس ۲۰۰۸

کار کمونیستی

زیر نظر شورای مرکزی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست منتشر میشود.

کمیته کردستان

kurdistan@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azer@fedayi.org

امور پناهندگی

panahjo@fedayi.org

kar@fedayi.org

روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

شورای مرکزی

centralconcil@fedayi.org